



فعالیت‌های انتخاباتی نامحسوس شروع شد

کاندید نسل پیر و جوان

اهم فعالیت‌های کاندیدای نسل پیر و جوان، جناب مهندس دکتر سردار سرفراز استاد گرمی را به اطلاع شهروندان عزیز می‌رسانیم:

-عطرافشانی و قرائت فاتحه بر قبور شهدا کاندیدای عزیزمان صبح پنجشنبه به همراه هیات بلندپایه متشکل از اعضا انتخاباتی و همسر و بچه‌های دوشان، در گلزار شهدای شهرمان شرکت کردند. همچنین ایشان با شهدا میثاق دوباره بستند که تا جان در بدن دارند از هیچ خدمتی برای این مردم فروگذاری نکنند. وی پس از ریزش چندین و چند قطره اشک خاطر نشان کردند «کاش من هم پس از رای آوردن در راه خدمت به مردم به جمع رفقای شهیدم بپیوندم»

- دیدار با نمایندگان خارجی کشورهای دوست و ابراز هوای آقای دکتر عصر شنبه پس از اطلاع از حضور تعدادی توریست اروپایی در شهر، به‌سرعت دفتر خود را ترک کرده و به استقبال ایشان شتافتند. وی پس از حضور در جمع توریست‌های محترم که از کشورهای اسپانیا، آمریکا، فرانسه، ژاپن و توگو بودند، طی نطق غرایب به زبان انگلیسی فرمودند: ای ام بلک بُرد این مجلس. ایشان توریست‌ها را سفرای فرهنگی کشورشان خوانده و به همین مناسبت به مهمانان چلوکیاب داده و با ایشان سلفی نیز گرفتند. در پایان استاد معزز از مادر خود نیز دیدار کرده و در حضور خبرنگاران و عکاسان دست و پای مادر خود را به غایت بوسیدند. ایشان همچنین قصد داشتند دست و پای پدر گرمی خود را نیز بوسند اما متأسفانه باخبر شدند که آن تکیه‌گاه و مرد روزهای سخت و تنها حامی استاد گران‌قدر دو سال پیش فوت شده‌اند.

کرونا

از چین برو تا دل اروپا، کرونا
تب کرده برات کل دنیا، کرونا
در دولت ما مدیر لایق کم نیست...
هستند برای تو مهیا، کرونا!!!

ضمیمه طنز راه راه کاری از پادشاه طنز انقلاب اسلامی

سرمدیر: امین صالحی
دبیر سروسری شعر: زهرا فرقاتی
دبیر سروسری کارتون: کامران باری
دبیر فنی: مهدی نظری
صفحه‌ار: عبدالرضا رفعتگار

راه‌آیند ارتباطی
info@rahrahanz.ir
سروش: tanzym_ir
ای‌تی‌ان: tanzym_ir
بله: tanzym_ir



برای اولین بار: گزارشی از نحوه‌ی سان دیدن شاهزاده سان دیدن با سیخ و پتو

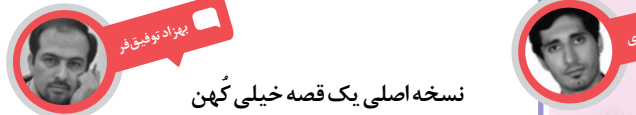
می‌دهد: نم‌ما که یعنی: والاحضرت! به دنبال گفت‌وگوهای مفصلی که... اما شاهزاده ناگهان سیخ را تا آخر در شکم وزیر خارجه فرو می‌کند و نعره می‌زند: سخن کوتاه کن پدر سوخته بی‌پدرا! کدوی بیچاره با صدای خرررز از هم بازنده و دانه‌های آن بیرون می‌ریزد که یعنی: سران همه کشورهای جهان به‌علاوه کل آدم‌های روی زمین منتظر بازگشت شما به وطن هستند قربان!

شاهزاده سیخش را با دستمال همایونی تمیز می‌کند و می‌گوید: خوبه! به ترامپ بگو تحریم‌ها رو ادامه بده تا من بگم. حالا شاهزاده به بخش موردعلاقه‌اش رسیده: پلیس مخفی بازی یا همان سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک). رئیس ساواک که یک عروسک بتمن، شوالیه تاریکی است، چشم دوخته به شاهزاده. چندصدای «بوم» بلند از دیوار خانه بلند می‌شود: یک نفر با لجه آمریکایی چیزهایی می‌گوید که به‌جز کلمات «گریزی» و «شات‌آپ» قابل ترجمه نیست. شاهزاده که عصیان شده قیودلی‌اش را سر رئیس ساواک خالی می‌کند. رئیس ساواک روی زمین می‌افتد و لامپ‌های روشن خاموش می‌شوند و هم‌زمان صدای می‌زند: فایر، فایر، فایر! که یعنی: والاحضرت همه خرابکاران دستگیر و پس از تادیب



مبارز شنبه، بی‌خبر جمعه

چه کمب تا تو که شعری متناقض شده‌ای چون بلا بر سر این ملک تو عارض شده‌ای پاس در عمق چنان داده‌ای هر مطلب را که در این حرفه تو بهتر ز سوارز شده‌ای مستی میز گرفته ست رقیقت را چه شد ای شیخ که در می‌کنده واعظ شده‌ای جمعه‌ای بی‌خبر و عاقل و باطل اما شنبه‌ها پشت تربیون تو مبارز شده‌ای پول ما را بگرفتی و هومان دادی صاحب تکنولوژی فوستنتر شده‌ای «عقده از دل بگشا لب بگشا بهر سخن» خود بیان کن که ز تدبیر تو عاجز شده‌ای!



نسخه اصلی یک قصه خیلی کهن

دو لاشخور و یک گفتار

همین اول قصه بگویم که نسخه‌های دیگری از این قصه که با سلب‌بندی‌های دیگر مثل لک‌لک و لاک‌پشت یا مرغابی و خرنگ دیده‌اید، همگی فیک هستند اصل قصه همین است که من می‌گویم. پس در یک جایی روی زمین، دوتا لاشخور و یک گفتار بودند. روزی لاشخورها گفتند جنازه‌های اینجا کم شده و ما می‌خواهیم به آنسوی دریا برویم. گفتار گفت: مرا هم با خودتان ببرید. لاشخورها گفتند باشه، بیا وسط این چوب را با پوزه‌ات بگیر تا فریمت. گفتار گفت: اول روباه را ببرید ببینم چه‌طوری است! لاشخورها روباه را بردند و برگشتند. گفتار پرسید: سالم رسید؟ لاشخورها گفتند: آره، فقط کمی زودتر پیاده شد! گفتار گفت: اگر راست می‌گویید، شغال را هم ببرید ببینیم! لاشخورها شغال را هم بردند اما فقط یکی از لاشخورها برگشت.



گفتار پرسید: سالم رسید؟ لاشخورها گفتند: آره! فقط کمی ضربه مغزی ملایم شده که درست میشه. اون یکی لاشخور هم موند کنارش که سرپا بگیردش!

گفتار گفت: اگر گاو را هم همینطور سالم ببرید، آن وقت من هم می‌آیم. لاشخور رفت پیش گاو تا با پوزه‌اش وسط چوب را بگیرد... و اما گاو نگاهی به چنه خودش و چشمهای لاشخور انداخت و گفت: من دورابری کرایه را می‌دهم، تو بگو بردیمش، من هم می‌گویم برده‌شده‌ام! این هم شیرینی بچه‌ها!

لاشخور آمد پیش گفتار و گفت: گاو را هم بُردم. گفتار گفت: دکا (در نسخه‌های دیگر، «زکی» آمده)، من با آن چوبی که دوسرش نجس شده، تا سرکوجه هم نمی‌آیم، تازه هنوز ۲۵ سال نشده که!

دیپلماسی خفت

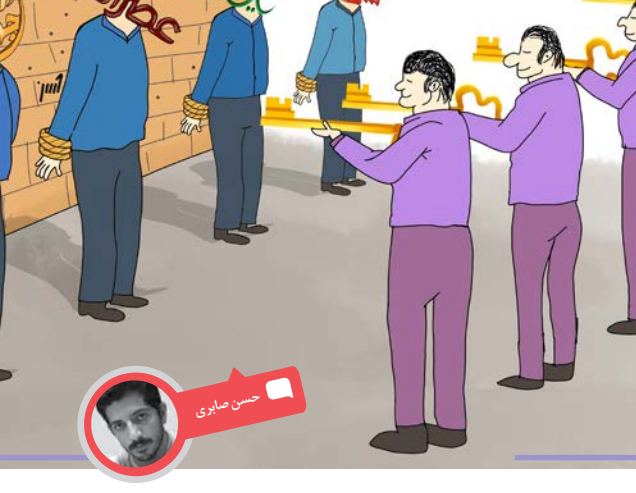
تاریخ زبان بسته‌ی ما گریبان است
کپ کرده و از کار شما حیران است
کوتاه‌جا بی‌جناب دکتر لطفاً
«این ره که تو می‌روی به ترکستان است»

به مناسبت چهل و یکمین سالگرد فرار شکوهمند پهلوی، برای اولین بار و به صورت کاملاً تخصصی گزارشی از آخرین مراسم سان دیدن شاهزاده پهلوی را منتشر می‌کنیم: شاهزاده باصلابت وارد سالن خانه مامانش اینا می‌شود، یک پتوی کوچک سفید انداخته روی دوشش و یک سیخ بزرگ و نوک‌تیز هم که از کبابی خلیل خرکش برداشته، گرفته توی دستش! پادشاه به خیر عمه همیشه می‌گفت این هیبتش او را یاد بابایزرگ می‌اندازد که با چوب‌دستی می‌افتاد به جان وزیر وزرا. بعدش زیر لب چیزهایی می‌گفت که شاهزاده به خاطر ضعیف بودن فارسی‌اش فقط «این محمدرضای خاک‌برسر گش را می‌فهمید»

حالا شاهزاده همه عوامل و نوکرهایش را جلوی چشم چیده و قرار است سان ببیند، اولین نفر، وزیر جنگ است. شاهزاده سیخش را بلند می‌کند و آن را روی شانه وزیر جنگ که در واقع یک بالش ملحفه دار مخمل است فرود می‌آورد. بالش صدا می‌دهد: تاالله! که یعنی: والاحضرت! تمام نیروها منتظر فرمان حمله همایونی هستند، ولی شاهزاده به آرامی و با لحنی منطقی پاسخ می‌دهد: نه، فعلاً فقط آماده باشید.

حالا باید اوضاع بین‌الملل را بسنجد، یک ضربه آرام به وزیر خارجه که یک کدوتنبیل نرم است می‌زند. کدوتنبیل صدا

توقیف برنامه‌های انتقادی صدا و سیما



معرفی بازی رایانه‌ای

ضربه ملایم مغزی

Slap sound: جدیدترین نسخه از بازی جذاب اسلپ ساوند با قابلیت نصب روی تمام گوشی‌ها حتی با آپشن فقط دکمه و چراغ قوه، به بازار آمد.

از ویژگی‌های این بازی رایانه‌ای؛ طراحی صحنه‌های کاملاً واقعی است. بازی در نصف شب شروع می‌شود و سربازان با لباس نظامی پشت پلک‌های پستی پناه گرفته‌اند. رادارها در حال آماده‌باش هستند و صدای آژاردهنده آن روی مخ سربازان است و تقریباً از هر سنگری صدای «لغنتی» شنیده می‌شود. تعداد زیادی پوشک هم توسط هلی‌کوپتر از بالا به پایین سرازیر می‌شود. هلی‌کوپترها



حرف اضافه

چند شبیه‌سکانس از فیلم «ما خود خود مردمیم»

۱. لوکیشن: پای تلویزیون
زمان: اول شب، ساعت ۳ نیمه شب
لحن: ملتمس‌انه
دیالوگ: بخش کنین آفادیدگه... کدوم تیکه؟ همونی که می‌گم تلویزیون خونه ماست و نمی‌شه ازش بریم و باید باهامون راه بیاین... آره، پس منتظر همین الان.

۲. لوکیشن: روی کتابچه
زمان: قبل از خواب، ساعت ۸ صبح
لحن: نامشخص، داره توی گوشی تایپ می‌کنه.
دیالوگ: خب، برو بچ به پست می‌خوان برای رفیق‌تون استوری کنین دیکه، نصف پول تبلیغات رو به بین هر کی منو منشن کرد بخش می‌کنم. برای اون سیل هم به کاری می‌کنیم. اصلاً کاپیتان رو می‌گیم شماره حساب بده خیالتون تخت.

۳. لوکیشن: داخل آشپزخانه، لای پوست تخم مرغ‌ها
زمان: صبح زود، ساعت ۳ بعد از ظهر
لحن: عشق‌لانه
دیالوگ: زلزله؟ کجاست؟ پس باید خودم دیکه استوری بنارم شماره کارت بدم... بنویس توی گروه ماجرای کاپیتان کنسله. خودم شماره کارت می‌دم برای سیل و زلزله.

۴. لوکیشن: جشن منتقدان سینما
زمان: پس از صحبت با یکی از جنگ‌ترین دوستان
لحن: ترجیحاً فیلمفارسی - حاج کاظم طور
دیالوگ: این اسم مزخرف سلب‌بندی را از روی ما بردارید، ما خود خود مردمیم. چطور کسی که باید آینه مردم‌ش باشه و بتونه دردهای مردم‌ش رو بگه رو محروم می‌کنید؟ درهایی که از تمام وجود ما برخواست، حرف اضافه هم نباشه. دست بزین دیکه، مرسی اه.



آمار آمیزگی

«عین الاسد» است غرق موشک‌باران شمشخ زده‌اند موشکان ایران
آمار دقیق کشته‌ها را خواهی؟
الان به تو آمار دهم یا الان؟!!

معاون عمرانی استانداری ووهان چین خبر داد:

جگرکی ایرانی خفاشکی چینی

معاون عمرانی استانداری ووهان در گفت و گو با خبرنگاران اعلام کرد که استقرار یک خفاشکی سیار (محل کباب و عرضه کاملاً بهداشتی خفاش) در نقاط مختلف شهر ووهان، باعث افزایش شیوع کرونا ویروس بین مردم ووهان شده بود.

وی همچنین تصریح کرد: در حالی که ما عوامل انسانی مانند دست دادن و روبرویی با افراد دارای علائم سرماخوردگی و عدم رعایت نکات بهداشتی هنگام عطسه و سرفه را عامل شیوع هر چه بیشتر این ویروس می‌دانستیم، در بررسی دوربین‌های مراکز مختلف متوجه مورد مشکوک این خفاشکی شده و پس از چندین روز مراقبت از راه دور متوجه شدیم هر جا که ایشان مستقر می‌شود به جهت علاقه شدید جمعیت به این وعده‌ی غذایی لذیذ، با هجوم جمعیت مواجهیم و در نتیجه ویروس به افراد بیشتری سرایت می‌کند. وی در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران که از او پرسید آیا با توقیف خفاشکی مذکور شیوع کرونا ویروس کنترل و یا از بین رفت گفت: بله، دیدید که در ایران معاون عمرانی استانداری تهران، علت آلودگی هوا را استقرار یک جگرکی سیار در کنار دستگاه سنجش آلودگی معرفی کرد و پس از توقیف جگرکی تهران دیگر معطلی به نام آلودگی هوا ندارد.



بیانیه جدید سلب‌بندی‌ها، بیخشد خود خود مردم‌ها

جوج می‌زنیم به یادتان

سلام بر ملت همیشه مظلوم و اسیر ایران که چهل سال است آب خوش از گلویشان پایین نرفته است.

این پیام دغدغه‌مندی ماست. بیاید همدیگر را باور کنیم... باور کنید که ما خود خود مردم هستیم. حتی از شما هم خود مردم تر هستیم. آن روز ها که شما از گرانی ناله می‌کنید، و تورم کم‌تران را خم کرده است ما به سواحل خارج رفته و در حالی که با شورت ورزشی والیبالی بازی می‌کنیم از این همه مشکلات معیشتی دلمان به جوری می‌شود و بازی هم از دماغمان می‌آید.

ما هم از شما می‌ایم وقتی سیل می‌آید و همه دار و ندارتان را می‌برد، همیشه سربزنگاه شماره کارت می‌دهیم و این گونه با شما همدردی می‌کنیم، فقط این بانگ نامرد پول‌ها را به خاطر بدی‌هایمان برمی‌دارد و همدردی ما ناقص می‌ماند...

ما از خود شما می‌ایم وقتی به خیابان می‌ریزید و به خاطر اعتراض به وضع موجود کشته می‌شوید ما برای شما مثل گربه بزرگ‌مهر، عزاداری کرده و صفحه‌هایمان را سیاه می‌کنیم. ما به خاطر شما از حقوق سگ‌ها و گربه‌ها حمایت می‌کنیم حتی اگر شما اصلاً سگ و گربه نداشته باشید.

ما برای حمایت از حقوق شما، سعی می‌کنیم که حتی مالیات ندهیم، و از مالیات‌هایی که شما می‌دهید از صدا و سیما پول به جیب بزنیم تا دلتان نشکند. ما حتی به خاطر شما اسمال از جشنواره فجر که در آن حضور نداشتیم و اصلاً راهمان نداده بودند هم انصراف دادیم.

ما از خود خود شما می‌ایم وقتی داریم از کنار برج ایفل برایتان بیانیه می‌نویسیم و با یروچ جوج می‌زنیم قلب‌هایمان با شماست، و یک سیخش را به افتخار شما به نیش می‌کشیم... تا تسلیتی دیگر بردرد.

